بیانیه نظامی شماره ۶ سربداران

مردم قهرمان ایران!

روز دوشنبه ۹ فروردین حدود ساعت دو و نیم بعدازظهر صدای شلیک گلوله‌های سربداران در جنگل های مازندران با رد یکی مزدوران پاسدار خمینی را ارتش به فراری مفتضحانه واداشت و خوابهای خوش دشمن را که تسلیفات کرکننده‌اش انگار خودش را هم به اشتباه انداخته بود بهم زد. رادیو «تلویزیون «سخنرانی‌های فتنه انگیز امام جمعه‌ها و روزی نامه‌های رژیم کودتای حاکم دادوفریادهای زیادی برا انداخته بودند که "کار سربداران تمام شد... جنگلهای شمال پاکسازی شدند" وغیره. باندحاکم حتما این قصه شاه پریان را باور کرده بود که جرئت کرده گروه‌های کشتی خود را روانه جنگل کند!

پاسداران خمینی در اینروزپس ازشناسائی محل استقرار بخشی ازنیروهای ما به عیال خود قصد داشتند ما را غافلگیر کنند. سهمین خاطرطرح محاصره را ریخته و درسنگرها مستقر شده بودند و لابدمست ازموفقیت اولیه بودند که ناگهان با باران گلوله‌های سربداران اجل معلق را درنظرشان آورد! مغلوکها آنقدر ترسیده بودند که دوپای اضافه قرض کرده و پا به فرا رگذاشتند و برای آنکه سبکتر بتوانند از مهلکه جان بدر ببرند خشابهای فشنگ بودکه برزمین می ریختند و میگریختند!

سربداران، رزمندگانی که با شلیک اولین گلوله‌های خود در ۱۸ آبان ۱۳۶۰ جبهه مقاومت مسلحانه را برعلیه حکومت خون وشلاق خمینی جنایتکار اعلام کردند و در جنگهای قهرمانانه خود در جنگل وآمل آنرا تا بحال ادامه داده‌اند، تازه در آغاز راهند. این مرتجعین کوردل بدانند که جنگ ما ادامه خواهد داشت و ارتش ما روزبروز گسترش خواهد یافت و ملت قهرمان ایران به جوانان ازجان گذشته خود خواهد پیوست تا ایران عزیز را از دست گماشتگان آدمکش و سرسپردگی برا انداخته‌اند رها سازد. سخن ما با خمینی جلاد اینست که:

باش تا صبح دولتت بدمد کاین عنوز از نتایج سحر است

«سربداران» ۱۳۶۱/۱/۱۴